

مروری بر تلاش آمریکا برای وابستگی ارتش ایران

سفارت در آرزوی ارتش وابسته

■ محمدجواد اخوان

با پیروزی انقلاب اسلامی، نفوذ آمریکا در ارتش ایران با چالش جدی مواجه شد. سران وابسته ارتش فراری یا محاکمه شدند، مستشاران آمریکایی ایران را ترک کردند و فرماندهان و مهندسان ایرانی خود هدایت نیروهای مسلح را بر عهده گرفتند. با این حال آمریکایی‌ها ناامید نشده و باز هم به دنبال بازگشت نفوذ پیشین خود در ارتش بودند، موضوعی که در اسناد بر جای مانده از سفارت آمریکا مشهود است.



هیئت مستشاری آمریکا که از دوره ریاست جمهوری «ترومن» وارد ارتش ایران شد، به تدریج چنان بر مقدرات ارتش حاکم شد که عملاً فرمان نظامی ایران را در اختیار داشت. گزارش سنای آمریکا حاکی از آن است که تعداد این مستشاران نظامی در سال ۱۹۷۶ به ۲۴ هزار نفر رسید و بودجه اختصاص داده شده از ایران، بیش از حقوق و دستمزد ارتشیان ایران بود

نفوذ مستشاران نظامی آمریکا

در دوره جنگ سرد آمریکایی‌ها از طریق هیئت مستشاری در ارتش ایران، نفوذ قابل‌ملاحظه‌ای در نیروهای مسلح ایران پیدا کردند، اما در یک دهه پایانی عمر حکومت پهلوی این نفوذ، رشد فزاینده‌ای داشت.

پس از شکست پرهزینه آمریکا در جنگ ویتنام، سران کاخ سفید به سمت تقویت ارتش‌های نیابتی متحدان خود به‌جای مداخله مستقیم حرکت کردند. به‌این ترتیب الگوی «جنگ برای آمریکا» به دست دیگران «در دستور کار ایالات‌متحده قرار گرفت و برای تحقق این الگو در خاورمیانه، «دکترین دوسوتنی» تعریف شد. دو ستون تحقق اهداف آمریکا در غرب آسیا عبارت بودند از ۱- ایران پهلوی به‌عنوان ژاندارم و ۲- عربستان سعودی به‌عنوان منبع مالی. طرح این دکترین، با خروج انگلستان از مستعمرات شرق سوئز هم‌زمان شد و بدین ترتیب این فرایند شتاب گرفت. در یک دهه پایانی حکومت پهلوی، بخش قابل‌توجهی از در آمد سرشار نفتی ایران، مصرف خریدهای نجومی جنگ‌افزار از آمریکا و نیز هزینه‌های مر تبط با مستشاران آمریکایی می‌شد و عملاً علاوه بر اهداف راهبردی آمریکا در جنگ سرد، منافع سرشار مادی را نیز برای واشینگتن به همراه داشت.

در اسناد به‌جای مانده از سفارت مربوط به دوره پهلوی، آمده است که روابط نظامی آمریکا با ایران باعث استحکام موقعیت آمریکا در ایران شده و رئیس هیئت مستشاری آمریکا، یک مشاور بسیار مطلوب برای شاه است. در سندی به تاریخ ۱۳۴۸/۵/۱۷ می‌خوانیم: «روابط نظامی ما با ایران (روش اعتباری تجهیزات نظامی و کمک‌های مستشاری نظامی) یک اصل اساسی در استحکام موضع‌مان و نفوذمان در ایران است... رئیس نظامی سرگروه مستشاری نظامی ایران برای شاه یک مشاور بسیار مطلوب، عینی و مطلع روی تجهیزات قدرت نظامی فردی و سازمان‌دهی می‌باشد.»

جالب اینجاست که خود آمریکایی‌ها نیز می‌دانستند که ولخرجی‌های شاه برای آمریکایی‌ها، به زبان مردم ایران است. در نامه سری که جان ال. واشنبورن (John L. Washburn) دیپلمات آمریکایی در ۱۱ اوت ۱۹۷۳ [۲۰۱ مرداد ۱۳۵۳] برای ریچارد هلمز، سفیر وقت آمریکا در تهران ارسال کرده، او اذعان نموده که فقر حقوق‌بگیران ایرانی، مربوط به آمریکا و خرید کلان سلاح‌های آمریکایی است.

«کمّی حقوق کارگران دولت، رابطه مستقیم با ایالات‌متحده دارد. بنا بر بررسی‌هایی که سازمان بین‌المللی کار انجام داده، دولت تعداد بسیار زیادتری کارمند طبقه متوسط نسبت به بخش خصوصی دارد و تمام کارمندان دولت ایران کم حقوق می‌گیرند. این همه برای یک حقوق کارمند دولت آن قدر ساده است که نمی‌تواند باور کند کمّی حقوق وی به خاطر این است که شاه میلیارد دلار در جهت خرید تسلیحه از آمریکا بر باد داده است. این وضع زمانی

وخیم می‌شود که کارمندان دولت خدمات اجتماعی حیاتی از قبیل بهداشت و تحصیل را فراهم می‌کنند. در حال حاضر خشمی عظیم جامعه را افرا گرفته چون درست در زمانی که بالاترین حد خریدهای اسلحه دولت ایران، در معرض عموم قرار گرفت، وزیر بهداری شروع به استخدام پزشکان پاکستانی جهت کار در استان‌ها کرده است تا از دادن حقوق و تهیه مسکن و امتیازات حرفه‌ای که پزشکان ایرانی در صورت ترک تهران یا به خاطر غریبت از خارج، طالب آنها هستند، اجتناب کند.»

پایان کار مستشاران

مستشاران آمریکایی به‌عنوان مشاوران و فرماندهان نظامی در تمام برنامه‌های آموزشی، عملیاتی، اطلاعاتی و لجستیکی نیروهای سه‌گانه زمینی، هوایی، دریایی و در ستادها، ادارات و یگان‌های رزمی فعالانه شرکت داشتند. ژنرال فیلیپ گاست آخرین رئیس اداره مستشاری ارتش ایران بود.

«گری سیک» عضو شورای امنیت ملی آمریکا حوادث روز ۲۲ بهمن را چنین روایت کرده و نوشته است:

«ژنرال گاست که پس از رفتن هابیز مسئولیت تماس با سران ارتش را داشت چنان در اتاق خود گیر افتاده بود که حتی نمی‌توانست یک‌قدم بیرون بگذارد.»

«هنری برشت»، مدیر بخش ایران در وزارت امور خارجه آمریکا نیز می‌نویسد:

«انقلاب در روز یازدهم فوریه (۲۲ بهمن) پیروز شد. تلفنی با ویلیام سولیوان صحبت کردم، او گفت همین الان با برژینسکی صحبت می‌کرده و او گفته بود به ژنرال گاست، مأمور ارشد نظامیان در ایران، بگوید که حالا زمان کودتا فرا رسیده، آنها باید بختیار را سرنگون کنند و کنترل کشور را در دست بگیرند.»

ویلیام سولیوان نیز به برژینسکی گفته بود:

«ژنرال گاست در زیرزمین مقر فرماندهی عالی گیر افتاده و حتی نمی‌تواند خودش را نجات دهد، چه رسد به اینکه بخواهد این کشور را نجات دهد.»

نهایتاً گاست از آن مهلکه رها شد، اما بعد از پیروزی انقلاب کار هیئت مستشاری آمریکا در ایران پایان یافت و گاست راهی واشینگتن شد. پس از او سرهنگ چارلز دیلیواسکات به‌عنوان وابسته نظامی آمریکا در ایران در ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ [۲۵ شهریور ۱۳۵۸] به تهران آمد و به‌عنوان رابط دفاعی و به جای ژنرال گاست، مشغول به کار شد.

او قبلاً در سمت معاونت وابسته نظامی در ایران کار کرده بود و زبان فارسی را به‌خوبی می‌دانست. او با توجه به سابقه اقامتش در تهران ارتباطات زیادی در ارتش ایران داشت و امیدوار بود مر تبطانش در پیشبرد مأموریتش مفید واقع شوند.

مستشاران نظامی

امریکا در ایران مطابق

قانون کاپیتو لاسیون

از مصو نیت قضایی

برخوردار بودند.

آنها با ارائه کارت

مخصوصی که وزارت

امور خارجه در

اختیارشان قرار داده

بود، عملاً از هر گونه

بازداشت یا مؤ اخذ

قانونی و قضایی

مصو نیت داشتند

بهرروایت

اسناد

سخن می گوید

(۱۶)

کردن موتور عادی که آنها انجام داده‌اند، فقط پنج روز وقت گرفته است. با پیش‌بینی قبلی حتی با مشاوران انگلیسی بیست روز وقت گرفته است.»

با توجه به آنکه عمده تجهیزات فعال در ارتش از کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا خریداری شده بود، امید زیادی در آمریکایی‌ها وجود داشت تا بتوانند به بهانه تأمین قطعات یدکی یا تعمیرات نفوذ خود را در ارتش حفظ کرده و ارتش جمهوری اسلامی را در وابستگی به صنایع آمریکا نگاه دارند. در سندی به تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۷۹ [۲۹ مرداد ۱۳۵۸] خطاب به وزیر امور خارجه آمریکا چنین آمده است:

«در زمینه تدارکات نظامی اکنون در موقعیتی هستیم که به صورت‌هایی عمل کنیم تا سوءظن‌های دولت موقت ایران در این مورد که ما حامل لوازم یدکی را به دلایل سیاسی معوق نگاه داشته‌ایم، رد کنند. از همه مهم‌تر ما می‌توانیم از چیزی که یک وابستگی لوازم‌یدکی نظامی کاهش یافته ولی هنوز اساسی و به ما خواهد بود برای منافع خردمان و به صورتی فعالانه‌تر از آنکه تاکنون انجام داده‌ایم استفاده کنیم. از آن جمله تجربه بنای یک ارتباط با دستگاه‌ار تشی که قویاً غربی و به‌طور واقعی در دیدگاه سیاسی اش میانه‌روتر باقی می‌ماند.»

واشینگتن نیز به اهمیت همین امر واقف بود. هنری پرشت، مدیر میز ایران در وزارت امور خارجه، در ۱۳ اکتبر ۱۹۷۹ [۲۱ مهر ۱۳۵۸] توصیه می‌کند باید با تعامل کشورهای غربی، به‌گونه‌ای عمل شود که ایران تنها به خرید نظامی از کشورهای دوست آمریکا متماایل بماند: «ایرانیان به ما گفته‌اند، سیاست آنان این است که به پشتیبانی از تجهیزات نظامی از مبدأ ایالات‌متحده تنوع بخشند. ما پاسخ داده‌ایم که از لحاظ اصولی ایرادی در این باره از جانب ما نخواهد بود مشروط بر اینکه ترتیبیاتی که با زاپایی‌ها داده می‌شود، در چارچوب قوانین ومقررات و سیاست‌های ما باشد. (ما فقط برای آنچه که خودمان فراهم خواهیم کرد پروانه خواهیم داد) ما همچنین مشکلات عملی را که ممکن است به وجود آید خاطر نشان ساخته‌ایم. در حالی که درباره تنوع بخشیدن به پشتیبانی موانع واقعی وجود دارد ما امیدواریم که متفقین با ما هم‌عقیده باشند که همه ما باید آنچه از دستمان برمی آید، برای تقویت نظامیان ایران که در آینده ممکن است یک گروه کلیدی باشند، بگوئیم. ما میل داریم با متفقین قبل از این تحولات تماس نزدیکی داشته باشیم تا تأمین کنیم که نظامیان ایران پشتیبانی لازم را دریافت کنند.»

یکی از نگرانی‌های دیگر آمریکا تقویت گرایش ضدامریکایی در ارتش ایران بود:

«در ارتش حش تنفر نسبت به بیگانه وجود دارد، در صورتی که شرایط در ایران و در ارتش بهبود نیابد، به‌احتمال زیاد در آینده نزدیک خطر احساس خینت می‌باشد و اگر این اتفاق بیفتد رهبری ارتش در جبهه ضدامریکایی خواهد بود.»



در دوره جنگ سرد آمریکایی‌ها از طریق هیئت مستشاری در ارتش ایران، نفوذ قابل‌ملاحظه‌ای در نیروهای مسلح ایران پیدا کردند، اما در یک دهه پایانی عمر حکومت پهلوی این نفوذ، رشد فزاینده‌ای داشت. مستشاران آمریکایی به‌عنوان مشاوران و فرماندهان نظامی در تمام برنامه‌های آموزشی، عملیاتی، اطلاعاتی و لجستیکی نیروهای سه‌گانه زمینی، هوایی، دریایی و در ستادها، ادارات و یگان‌های رزمی فعالانه شرکت داشتند

SECRET/SENSITIVE

4-2

2. Approach to the Iraqis. The Iraqians are convinced that Iraq is actively assisting Kurdish and Arab rebels in Iran. There may well be some truth to these assertions. It seems very probable that if Iraq made a serious effort to police its borders, the Iranian rebels, especially the Kurds, would find it hard to continue their insurrection.

As a first step we think the French and Germans might separately engage the Iraqis in discussions of Iranian developments. The ultimate purpose of the exchange, which might require prolonged confidence building, would be to persuade the Iraqis to reduce the pressure on the Ba'athist government.

3. Assistance to Iranian Military. The Iraqians have told us it is their policy to diversify support for US-origin military equipment. We have replied that we would have no objection in principle provided the arrangements with Europeans were made within the framework of our laws, regulations and policies. (We will license only what we ourselves would provide.) We have also pointed out the practical problems that may arise. While there are real impediments to the diversification of support, we hope the allies will agree that all of us should do what we can to strengthen the Iranian military -- which could be a key group in the future. We would like to stay in close touch with the allies in advance of these developments in order to assure that the Iranian military

SECRET/SENSITIVE

132

در این سند، وزارت امور خارجه آمریکا امیدوار است به بهانه

تأمین قطعات یدکی با تعمیرات تسلیحات خریداری شده از

کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا، نفوذ خود را در ارتش حفظ

کرده و ارتش جمهوری اسلامی را در وابستگی به صنایع

امریکا دارد

در توصیه‌ای از طرف هارولد ساندرز به نیوسام معاون وزیر امور خارجه آمریکا در ۱۴ شهریور ۵۸ آمده است: «چگونه روابط نظامیان را توسعه دهیم؟ ایرانی‌ها در مورد سپرده مالی شان در مقابل فروش‌های نظامی سوءظن دارند. آنها به قطعات یدکی و حفاظت فنی نیازمندند؛ ولی برای مسائل سیاسی می‌ترسند که از ما تقاضا کنند. ما می‌خواهیم مسئولانه بر روی مسائل نظامی کار کنیم تا اینکه بازگان را قدرت دهیم و مطمئن باشیم که برای اوضاع آینده سیاسی مملکت دوستانی در ارتش داریم که ممکن است در معضلات سیاسی مملکت راهگشا باشند. برای در اختیار گذاشتن قطعات حساس به آنها مطالعه کنید و آماده باشید که قطعاتی که در سطح پایین هستند در اختیار آنها قرار دهیم. آماده برای تحویل قطعات یدکی دستگاه‌های قبلی که ارتش شان از ۵ میلیون دلار کمتر است باشید و اگر ایران مایل بود قطعات یدکی را از مجاری دیگری تأمین کند اجازه دهید که از کشورهای دوست و پیشرفت جهان سوم مثل ایتالیا قطعات یدکی باگلد را تأمین کنند.»

در ادامه همین سند آمده است:

«با توجه به احتیاج ایران به قطعات یدکی و احتیاط سوءظن در ایران در مورد سپرده‌های فروش‌های نظامی در آمریکا، ما باید مسئولانه عمل کرده و بازگان را قدرت بدهیم و مطمئن باشیم که در آینده در ارتش ایران دوستانی خواهیم داشت که می‌توانند معضلات سیاسی مملکت را راهگشا باشند.»

با این حال تجربه نشان داد که ارتش جمهوری اسلامی با اتکا به ظرفیت‌های مهندسان و افسران خود و با ایجاد جهاد خودکفایی، امکان عبور از وابستگی به صنایع نظامی آمریکا و غرب را دارد. ادامه دارد...

منابع در دفتر روزنامه موجود است.